

شماره: ۹۰۰۷۲۷۸۶۱
تاریخ: ۲۷/۳/۹۸
پیوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات،

شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل با محل های معین

در اجرای ماده (۲۱۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده (۵۴۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ « آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس، عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل با محل های معین » به شرح مواد آتی ابلاغ می گردد.

فصل اول: مواد عمومی

ماده ۱ - اصطلاحات و اختصارات به کار رفته در این آیین نامه در معانی زیر است:

الف - قانون مجازات اسلامی: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛

ب - قانون آیین دادرسی کیفری: قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲؛

پ - آیین نامه: آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس، عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل با محل های معین؛

ت - مجازات سلب حیات: مجازاتی که به منظور پایان دادن به حیات محکوم اعمال و اجرا می شود. از قبیل اعدام و قصاص نفس؛

ث - قصاص عضو: قطع یا جرح هر یک از اعضای بدن با اراده مدافع آن یا رعایت شرایط قانونی؛

ج - قنایع عضو: قطع هر یک از اعضای بدن در جرایم حدی یا رعایت شرایط قانونی؛

چ - تبعید: طرد فرد از محل زندگی خود و الزام وی به سکونت در مکان خاص در موارد مذکور در قانون؛

به نحوی که به طور مستمر تحت مراقبت باشد؛

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



ج- نفی بلد: طرد فرد از محل زندگی خود و الزام وی به سکونت در مکان خاصی؛ به نحوی که به طور مستمر تحت مراقبت بوده و مجاز به ترک محل و مرافقه و معاشرت با کسی نباشد. این مجازات وفق مقررات قانونی در جرم محاربه قابل اعمال است.

خ- اقامت اجباری در محل معین: الزام فرد به اقامت در محل معین در مدتی که به موجب حکم دادگاه تعیین می شود:

د- منع از اقامت در محل معین: اخراج و ممنوعیت فرد از اقامت در محل یا محل های معین در مدتی که به موجب حکم دادگاه تعیین می شود.

ماده ۲- اجرای احکام کیفری و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم وفق مقررات اجرای احکام مدنی با دادستان است. در حوزه هایی که معاونت اجرای احکام کیفری در دادسرا تشکیل شده است، این معاونت تحت نظارت و ریاست دادستان اقدام می کند.

تبصره - در حوزه قضایی بخش اجرای احکام به عهده رئیس دادگاه بخش و در غیاب وی با دادرس علی البدل است.
ماده ۳- در اجرای تبصره (۱) ماده (۲۹۶) قانون آیین دادرسی کیفری در مواردی که به علت عدم تشکیل دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی، به حرایم داخل در صلاحیت این دادگاه در نزدیک ترین دادگاه کیفری یک آن استان رسیدگی می شود، اجرای احکام به عهده دادرسی محل وقوع جرم است.

ماده ۴- اجرای احکام دادگاه های نظامی با رعایت مفاد ماده (۲) این آیین نامه به عهده معاونت اجرای احکام دادرسی نظامی مربوط است.

ماده ۵- احکام لازم الاجرا موضوع ماده (۴۹۰) قانون آیین دادرسی کیفری پس از ابلاغ به همراهِ اصل پرونده برای اجرا به معاونت اجرای احکام کیفری مربوط و در صورت عدم تشکیل این معاونت، نزد دادستان ارسال می شود.

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

تبصره - در اجرای مواد (۴۹۰) و (۴۹۳) قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه مکلف است در خصوص محکومانی که پرونده نسبت به آن‌ها لازم‌الاجرا شده است، بدل پرونده را که مفید اجرا باشد تهیه و حسب مورد برای معادلت اجرای احکام کیفری مربوط و یا دادستان ارسال کند.

ماده ۶- در احکام غیابی چنانچه محکوم مدعی عدم اطلاع از سداد رأی شود و تقاضای واخواهی کند، قاضی اجرای احکام کیفری از اجرای حکم خودداری و محکوم را به همراه پرونده تحت‌الحفظ به دادگاه صادرکننده رأی غیابی اعزام و معرفی می‌نماید.

تبصره - در ابام تعطیل یا در مواردی که به جهت قانونی دسترسی به دادگاه میسر نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری به منظور دسترسی به محکوم قرار تأمین کیفری مناسب صادر می‌کند.

ماده ۷- قاضی اجرای احکام کیفری به محض وصول پرونده، دستور ثبت آن را صادر و بیش از صدور دستور اجرای حکم، موارد ذیل را احراز، بررسی و در صورت محسوس منعکس می‌کند:

الف- ابلاغ صحیح حکم و قطعیت یا قابل اجرا بودن آن و نبود مانع قانونی برای اجرا؛

ب- نبود ابهام یا اجمال در حکم؛

ب- استخراج دقیق نوع و میزان محکومیت هر یک از محکومان.

تبصره - در صورت قابل اجرا نبودن حکم به جهت مندرج در بند «الف»، قاضی اجرای احکام کیفری پرونده را با کسر از آمار جهت ابلاغ صحیح رأی به دادگاه اعاده می‌دهد. همچنین در صورت وجود ابهام یا اجمال در حکم، پس از تشکیل بدل مفید، پرونده را جهت ارائه به دادگاه ارسال می‌کند.

ماده ۸- قاضی اجرای احکام کیفری و رئیس یا معاون زندان مکلف‌اند پیش از اجرای حکم، هویت محکوم را با توجه به اوراق هویتی معتبر یا دلایل قطعی دیگر و در صورت عدم ارائه و یا عدم دسترسی به اوراق هویتی، از طریق

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



استعلام از اداره ثبت احوال و دیگر مراجع مرتبط، با آن چه در حکم دادگاه آمده است تطبیق داده و مراتب را در پرونده ثبت و درج نمایند.

ماده ۹- اجرای حکم فوری است و پس از لازم الاجراء شدن نباید به تأخیر افتد، مگر در مواردی که به موجب قانون یا حکم دادگاه به نحو دیگری مقرر شده است.

ماده ۱۰- در صورت حدوث هر یک از عوانع قانونی زیر، فاقی اجرای احکام کیفری با تنظیم صورت مجلس و ذکر علت، انجام تشریفات قانونی و حسب مورد پس از اخذ نظر پزشکی قانونی و تأیید این نظر، دستور تعویق اجرای مجازات را تا رفع مانع یا سپری شدن مدت صادر می کند:

الف- دوران بارداری؛

ب- پس از زایمان حداکثر تا شش ماه و صرف نظر از زنده یا مرده بودن مولود؛

ب- پس از زایمان و بیم تلف طفل در صورت اجرای مجازات قصاص نفس و یا بیم تلف و یا آسیب بر روی در صورت اجرای مجازات قصاص عضو مادر؛

ت- دوران شیردهی، توسط مادر حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی؛

ث- بیماری جسمی یا روانی محکوم تا زمان بهبودی، منوط به آن که اجرای مجازات موجب تشدید بیماری یا تأخیر در بهبودی شود؛

ج- ایام حیض یا استحاضه و اجرای مجازات شلاق در این ایام؛

چ- جنون پس از صدور حکم قطعی در مجرای تعزیری.

تبصره ۱- در مورد مجازات های مالی، محکوم به از اموال محکوم وصول و در صورت فقدان مال یا عدم دسترسی به آن وفق مقررات قانونی مربوط اقدام می شود.

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



تبصره ۲- محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می برد، در صورت حنون تا زمان بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگر نگهداری می شود. این ایام جزء محکومیت وی محاسبه می شود.

ماده ۱۱- قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای حکم فصاص عضو یا قطع عضو محکوم را به پزشکی قانونی معرفی می کند تا چنانچه دارای یکی از موانع قانونی باشد، مراتب اعلام شود. در صورت وجود مانع قانونی و ممکن بودن رفع آن، در این خصوص اقدام و حکم اجرا می شود. در غیر این صورت اجرای حکم تا رفع مانع به تعویق می افتد.

ماده ۱۲- شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی نسبت به احکام مشتمل بر مجازات سالب حیات و دیگر مجازات های بدنی با رعایت رأی وحدت رویه شماره ۷۴۲ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور، دستور توقف اجرای حکم را می دهد. در دیگر محکومیت های کیفری مانند حبس، صدور دستور توقف اجرای حکم منوط به تجویز اعاده دادرسی از سوی شعبه دیوان عالی کشور است. در اجرای ماده (۴۷۷) قانون آیین دادرسی کیفری، با تجویز اعاده دادرسی توسط رئیس قوه قضائیه، مراتب توسط معاونت قضایی قوه قضائیه جهت توقف اجرای حکم به واحد اجرای احکام مربوط اعلام می گردد.

ماده ۱۳- در مواردی که پرونده به هر دلیلی از شعبه خارج می شود، قاضی اجرای احکام کیفری بدل مفید پرونده مشتمل بر اوراق مهم از جمله قرار تأمین کیفری، گزارش تنظیمی در دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور، احکام صادره و مجموع اقدامات اجرایی را تهیه می کند.

ماده ۱۴- در صورت عدم دسترسی به محکوم به رغم اقدامات اجرایی و چنانچه بیم فرار و خروج وی از کشور برود، قاضی اجرای احکام کیفری با رعایت ماده (۲۹۲) قانون آیین دادرسی کیفری مراتب را به دادستانی کل کشور

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

اعلام می‌کند تا از آن طریق به مراجع ذی ربط ابلاغ گردد. همچنین به محض دستگیری یا حضور محکوم یا منتهی شدن اجرای حکم در موارد قانونی، نسبت به لغو دستور به شرح فوق اقدام می‌کند.

ماده ۱۵- در مواردی که حکم به اجرای عملی مجازات در مکان معین صادر شده است، حسب تصمیم دادگاه اقدام می‌شود. چنانچه مکان خاصی برای اجرای عملی مجازات مشخص نشده باشد، محل اجرای مجازات با پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری و موافقت دادستان تعیین می‌شود.

ماده ۱۶- در اجرای ماده (۴۹۸) قانون آیین دادرسی کیفری هرگاه شیوه اجرای مجازات در دادنامه تعیین شده باشد، مطابق آن عمل می‌شود و در غیر این صورت، اجرای رأی وفق این آیین‌نامه و دیگر مقررات مربوط خواهد بود.

ماده ۱۷- در محکومیت توانان به مجازات‌های حد و قصاص، در صورتی که با اجرای حد زمینه اجرای قصاص حذف یا موجبات تأخیر اجرای آن فراهم شود، ابتدا قصاص اجرا می‌شود؛ همانند مجازات حد سالب حیات و مجازات قصاص نفس و یا قصاص عضو که در این صورت مجازات قصاص ابتدا اجرا می‌شود.

تبصره ۱- در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت مجنی‌علیه با ولی دم و با تبدیل مجازات قصاص به دیه، ابتدا مجازات حد اجرا می‌شود.

تبصره ۲- اجرای حد قذف در صورت مطالبه فوری صاحب حق بر اجرای دیگر مجازات‌های حدی مقدم است.

ماده ۱۸- در محکومیت توانان به مجازات‌های حد و تعزیر، در صورتی که مجازات حد سالب حیات و تعزیر حق الناس و یا تعزیر مدنی شرعی باشد و اجرای مجازات تعزیری موجب تأخیر حد نشود، ابتدا مجازات تعزیری و سپس مجازات حد سالب حیات اجرا می‌شود.

ماده ۱۹- در محکومیت توانان به مجازات‌های حد غیر سائب حیات و تعزیر حق الناس و یا تعزیر مدنی شرعی مانند محکومیت به شلاق حدی و شلاق تعزیری، ابتدا مجازات حدی اجرا می‌شود.

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



ماده ۲۰- در محکومیت توأمان به مجازات‌های قصاص نفس و تعزیر حق الناس یا تعزیر معین شرعی، ابتدا تعزیر اجرا می‌شود و در صورت محکومیت به مجازات‌های قصاص عضو و تعزیر حق الناس یا تعزیر معین شرعی، ابتدا مجازات قصاص عضو اجرا می‌شود.

ماده ۲۱- در محکومیت توأمان به مجازات‌های سالب حیات غیر از قصاص نفس و حبس، تبعید و یا نفی بلد، فقط مجازات سالب حیات اجرا می‌شود و حبس و تبعید و نفی بلد مانع اجرای آن نیست. در محکومیت توأمان به مجازات‌های قصاص نفس و عضو و تبعید یا نفی بلد، تأخیر در اجرای قصاص بنا به جهات قانونی و با رعایت ماده (۴۲۹) قانون مجازات اسلامی، مانع اجرای مجازات تبعید یا نفی بلد نمی‌شود.

ماده ۲۲- در محکومیت توأمان به مجازات‌های حبس و قصاص نفس یا عضو، تأخیر در اجرای قصاص بنا به جهات قانونی، مانع اجرای مجازات حبس نمی‌شود.

ماده ۲۳- در محکومیت توأمان به مجازات مالی و دیگر مجازات‌ها در یک یا چند پرونده، اجرای مجازات مالی مانع اجرای دیگر مجازات‌ها نمی‌باشد.

ماده ۲۴- در اجرای تبصره (۳) ماده (۱۳۲) قانون مجازات اسلامی فقط مجازات اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود و در صورتی که مجازات رجم به استناد ماده (۲۲۵) این قانون به شلاق تبدیل شود، هر دو مجازات اجرا می‌شود.

ماده ۲۵- اجرای مجازات‌های شلاق و قطع عضو هنگام تحمل حبس، تبعید و یا نفی بلد بلامانع است.

ماده ۲۶- در محکومیت توأمان به دو یا چند مجازات غیر از موارد مصرح در قانون و آیین نامه، قاضی اجرای احکام کیفری باید ترتیبی اتخاذ کند که اجرای قسمتی از حکم، زمینه اجرای قسمت دیگر را مستفی نکند.

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



ماده ۲۷- چنانچه محکوم در زندان باشد، قاضی اجرای احکام کیفری بلافاصله پس از اجرای حکم دستور آزادی فرد را صادر می کند؛ رئیس زندان نیز مکلف است چنانچه محکوم به عتد دیگری بازداشت نباشد، وی را فوراً آزاد و مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند.

ماده ۲۸- در اجرای مواد (۱۱۴) قانون مجازات اسلامی و (۵۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری، چنانچه محکوم در مرحله اجرای حکم ادعای نوبه و یا درخواست عفو کند، قاضی اجرای احکام کیفری پرونده را به دادگاه ارسال می کند. چنانچه دادگاه ندانست و اصلاح مرتکب را احراز کند، می تواند عفو محکوم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری تقاضا نماید. در این صورت به دستور دادگاه اجرای مجازات تا اعلام نتیجه از سوی کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات محکومان فقط برای یک بار به تأخیر می افتد. کمیسیون مذکور مکلف است حداکثر ظرف دو ماه به این تقاضا رسیدگی و نتیجه را به دادگاه اعلام کند.

تبصره- قاضی اجرای احکام کیفری یک هفته پیش از اجرای حکم، مفاد این ماده را به محکوم اعلام و تفهیم می کند.

ماده ۲۹- در موارد رجوع شامد از مفاد شهادت شرعی و یا انکات بطلان همه یا برخی سوگندها موضوع مواد (۱۹۸) و (۲۴۶) قانون مجازات اسلامی، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را به دادستان اعلام و دادستان در مورد ماده (۱۹۸) رأساً و در خصوص ماده (۲۴۶) پس از موافقت دادگاه نقضای اعاده دادرسی می نماید.

ماده ۳۰- با شروع به اجرای مجازات حبس، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و یا اجرای کامل دیگر مجازاتها، قاضی اجرای احکام کیفری از قرار تأمین کیفری یا قرار نظارت قضایی رفع اثر می نماید؛ مگر آنکه تأمین سپرده شده مربوط به اتهام انتسابی جدید یا محکومیت های اجرا نشده دیگری باشد.

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

ماده ۳۱- اجرای مجازات‌های سالب حیات، رحم، قصاص عضو و قطع عضو تحت نظارت مستمر و مستقیم دادستان به عمل می‌آید. دادستان مکلف است یک هفته پیش از اجرای مجازات‌های مذکور، مراتب را به رئیس کل دادگستری استان اطلاع دهد.

ماده ۳۲- چنانچه حد قتل یا رجم فقط با اقرار ثابت شده باشد و محکوم در هر مرحله و از جمله هنگام اجرای حکم از اقرار سابق عدول کند و منکر برد انتسابی شود، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای ماده (۱۷۳) قانون مجازات اسلامی پرونده را به دادگاه صادرکننده حکم ارسال می‌کند تا ضمن صدور قرار سقوط مجازات، بر اساس مجازات سقر در این ماده حکم صادر نماید. همچنین قاضی اجرای احکام کیفری پیش از شروع مرحله اجرای حکم، مفاد ماده مذکور را به محکوم تشریح می‌کند.

فصل دوم: مواد اختصاصی

مبحث اول: نحوه اجرای مجازات‌های سالب حیات

ماده ۳۳- اجرای قصاص نفس یا درخواست اولیای دم و پس از طی مراحل استیذان و اذن مقام رهبری یا نماینده او صورت می‌پذیرد.

ماده ۳۴- پیش از اجرای حکم، پزشک قانونی یا پزشک معتمد در حضور قاضی اجرای احکام کیفری محکوم را معاینه و در خصوص فقد مانع برای اجرای حکم اعلام نظر می‌کند.

ماده ۳۵- در صورتی که از نظر وضعیت جسمی سانی برای اجرای حکم نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری به محکوم اطلاع می‌دهد تا چنانچه تقاضای ملاقات با افرادی را دارد اعلام کند. در صورت تقاضای ملاقات، افراد مورد نظر محکوم به تشخیص قاضی اجرای احکام کیفری و در صورتی که قبول تقاضا موجب تاخیر اجرای حکم نشود، به

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



زندان دعوت می‌شوند و رئیس زندان یا معاون وی موجبات ملاقات محکوم با آنان را وفق دستور قاضی اجرای احکام کیفری فراهم می‌آورد. در صورت ضرورت از مترجم استفاده می‌شود.

ماده ۳۶- ساعاتی پس از اجرای مجازات سالب حیات و ترجیحاً شب پیش از اجرای حکم، در صورت رضایت محکوم مراسم مذهبی توسط فرد بصیر و آگاه به عائل مذهبی و در غیاب ایشان توسط قاضی اجرای احکام کیفری اجرا می‌شود و به محکوم تفهیم می‌گردد که چنانچه اظهاراتی مانند توبه یا وصیت دارد، اعلام نماید.

تبصره ۱- وصیت‌نامه محکوم پس از ملاحظه قاضی اجرای احکام کیفری و اعلام بلا مانع بودن تسلیم آن به ورثه، اخذ و ضمیمه پرونده می‌شود و پس از اجرای حکم، در قبال ارائه رسید به احد از ورثه تسلیم یا به مقصد تعیین شده توسط محکوم ارسال و تصویر آن در پرونده حفظ می‌گردد.

تبصره ۲- در مورد محکوم غیر مسلمان، آداب دینی و مذهبی مطابق مقررات دین و مذهب وی و توسط رهبر دینی مربوط یا نماینده وی به عمل می‌آید. عدم حضور رهبر دینی یا نماینده وی مانع اجرای حکم نمی‌باشد.

ماده ۳۷- نظارت بر صحت اجرای حکم و رعایت تشریفات لازم و جلوگیری از تأخیر یا تعطیل آن بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری است. پس از رعایت تشریفات و شرایط مذکور، محکوم با تنظیم صورت مجلس تحت الحفظ به محل اجرای حکم انتقال می‌یابد و پس از قرائت مفاد حکم توسط منشی دادگاه، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری و با رعایت شرایط مذکور در مواد بعدی، حکم طبق مفاد مندرج در آن به اجرا در می‌آید.

ماده ۳۸- در صورت تقاضای حوزدنی یا آشامیدنی از سوی محکوم، جز در مواردی که تقاضای وی به تشخیص پزشکی قانونی، به صلاحیت نبوده یا به تشخیص قاضی اجرای احکام کیفری برای تأخیر اجرای حکم باشد، تأمین انتظامی مکلف به تهیه آن می‌باشند.

ماده ۳۹- در مواردی که محل اجرای حکم در خارج از محیط زندان است، مجازات سالب حیات با تنظیم صورت مجلس و امضای آن توسط قاضی اجرای احکام کیفری، رئیس زندان یا معاون او، پزشک حاضر در محل،

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

مشتی دادگاه و فرمانده نیروی انتظامی محل یا معاون او اجرا می شود. رئیس زندان یا معاون او با ملاحظه اوراق هویتی یا دیگر مدارک متقن، هویت زندانی را از حیث تطبیق مشخصات با آن چه در حکم دادگاه آمده است، بررسی و تأیید نموده و ذیل آن را امضاء می کند.

ماده ۴۰- مجازات های اعدام و قصاص نفسی به صورت حلق آویز و از طریق طناب دار و یا به شیوه دیگری که کمترین آزار را برای محکوم داشته باشد، اجرا می شود.

ماده ۴۱- زمان اجرای مجازات سائب حیات حین طلوع آفتاب است؛ مگر آن که دادگاه زمان دیگری را تعیین کرده باشد.

ماده ۴۲- مأمور اجرای حکم مکلف است پیش از اجرای حکم، آلات و ادوات اجرا را بررسی نماید و از استحکام و آماده بودن آن برای اجرای حکم اطمینان حاصل کند. استفاده از وسیله های غیر از آن چه اجرای حکم اقتضا دارد و به گونه ای که موجب شکنجه، تعذیب و یا مثله شدن محکوم گردد ممنوع است. همچنین عملیات اجرایی باید توسط افراد آموزش دیده در کمال آرامش و بدون اعمال خشونت انجام شود.

ماده ۴۳- قاضی اجرای احکام کیفری متذاتل چهل و هشت ساعت پیش از اجرای مجازات سائب حیات، مراتب را به مقامات و اشخاص زیر اطلاع داده تا جهت انجام وظیفه محوله در محل اجرای حکم حاضر شوند:

الف- قاضی صادرکننده حکم بدوی در صورتی که حضور وی به موجب قانون لازم باشد؛

ب- رئیس زندان یا معاون وی برای تهیه مقدمات اجرای حکم و حفظ نظم محل اجرا؛

پ- فرمانده انتظامی محل یا معاون وی به منظور حفظ نظم محل اجرا و همکاری با مقامات زندان برای تهیه مقدمات اجرا و اجرای مجازات؛

ت- پزشک قانونی و در صورت نبود وی، پزشک معتمد برای معاینه محکوم و اعلام نظر راجع به وضعیت

جسمانی وی پیش از اجرا و معاینه چند پس از اجرای حکم؛

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه‌بندی:



ث- فرد بصیر و آگاه به مسائل مذهبی برای انجام تشریفات دینی و مذهبی و چنانچه دین محکوم از ادیان رسمی شناخته شده در قانون اساسی باشد، نماینده رهبر دینی مربوطه؛

ج- منشی دادگاه برای فرانت حکم؛

چ- اولیای دم مفنول، یا وکیل یا نماینده آن‌ها در اجرای قصاص نفس؛

ح- وکیل محکوم؛

خ- شهود در صورتی که حضور آنان به موجب قانون لازم باشد.

تبصره ۱- عدم حضور افراد موضوع بندهای «ت» و «ج» مانع اجرای حکم نمی‌باشد.

تبصره ۲- حضور افراد کمتر از هجده سال تمام شمی در محل اجرای حکم جز به تشخیص قاضی اجرای احکام کیفری ممنوع است.

ماده ۴۴- قاضی اجرای احکام کیفری پس از اجرای حکم سالب حیات، مراتب را صورت‌جلسه کرده و به امضای رئیس زندان یا معاون وی، پزشک قانونی یا پزشک معتمد، اولیای دم یا وکیل یا نماینده آنان (در صورت حضور) و فرمانده انتظامی محل یا معاون وی می‌رساند.

ماده ۴۵- به تشخیص قاضی اجرای احکام کیفری و توسط مقامات زندان یا مأموران انتظامی، فیلم یا تصاویر مراسم اجرای مجازات سالب حیات تهیه و در پرونده محکوم ثبت و نگهداری می‌شود.

ماده ۴۶- انتشار مراتب اجرای حکم مشتمل بر مشخصات محکوم، نوع جرم و خلاصه حکم، در صورتی ممکن است که انتشار مفاد حکم به موجب قانون مجاز باشد. در غیر احکام موضوع ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی، انتشار مفاد حکم سالب حیات و مراتب اجرای آن به تشخیص دادستان و بدون ذکر مشخصات محکوم بلامانع است.

ماده ۴۷- چنانچه محکوم داورطلب اهدای عضو پیش یا پس از اجرای مجازات اعدام باشد و مانع پزشکی برای اهدای عضو موجود نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری طبق دستورالعملی اقدام می‌نماید که ظرف سه ماه از تاریخ

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

تصویب این آیین نامه توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری وزارت دادگستری و سازمان پزشکی قانونی کشور تهیه شده و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

ماده ۴۸- چنانچه پس از اجرای حکم اعدام یا قصاص نفس، مرگ قطعی محکوم به تأیید پزشک حاضر در محل نرسد یا حیات وی احراز شود، اجرای حکم تأیید کابین حیات ادامه می یابد. در صورتی که مرگ محکوم به تأیید پزشک حاضر برسد و سپس حیات وی احراز گردد، حکم اعدام اجرا می شود و در قصاص نفس با درخواست اولیای دم، محکوم مجدداً قصاص می شود. در فرض اخیر چنانچه ولی دم قاتل را به گونه ای که جایز نیست قصاص کرده باشد و نحوه قصاص منتهی به آسیب محکوم شده باشد، قاضی مجری حکم مفاد ماده (۴۲۸) قانون مجازات اسلامی در خصوص حق متقابل قاتل بر قصاص عضو یا جرح را به طرفین تفهیم می کند. هرگاه ولی دم بر اجرای قصاص اصرار داشته باشد، به شرح ذیل اقدام می شود.

الف- اگر محکوم از استیغای حق خود منصرف شود، قصاص نفس مجدداً اجرا می شود؛

ب- اگر محکوم متقاضی قصاص عضو یا جرح باشد، قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای مجدد قصاص نفس پرونده را برای تعیین تکلیف به مرجع دی صلاح ارسال می کند.

ماده ۴۹- پس از اجرای حکم و تأیید مرگ قطعی توسط پزشک قانونی یا پزشک معتمد، جسد تحویل پزشکی قانونی می شود تا به خانواده یا بستگان متوفی تحویل گردد و در غیر این صورت، طبق مقررات شرعی و قانونی دفن و هزینه های مربوطه از بیت المال پرداخت می شود.

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

مفتار اول: نحوه اجرای مجازات رجم

ماده ۵۰- در مواردی که به تشخیص دادستان اجرای مجازات رجم میر نماید و دادگاه نیز وفق ماده (۲۲۵) قانون مجازات اسلامی پیشنهاد تبدیل مجازات را به رئیس قوه قضائیه نداده باشد، دادستان مراتب را به دادگاه پیشنهاد می دهد، دادگاه در صورت تأیید، پرونده را از طریق رئیس کل دادگستری استان به معاونت قضایی ارسال می کند. در صورت موافقت رئیس قوه قضائیه با تبدیل مجازات رجم، پرونده جهت صدور حکم جدید به دادگاه ارسال می شود و در صورت عدم موافقت، مقدمات اجرای مجازات رجم فراهم می شود.

ماده ۵۱- در صورت رضایت محکوم و باغاتی پیش از اجرای حکم رجم و ترجیحاً در شب اجراء مراسم مذهبی توسط فرد بصیر و آگاه به مسائل مذهبی و در غیاب وی توسط قاضی اجرای احکام کیفری انجام و به وی تفهیم می شود تا چنانچه اظهاراتی مانند توبه یا وصیت دارد اعلام کند. همچنین انجام غسل میت و تحنيط و تکفین توسط محکوم را به وی یادآوری می کند.

ماده ۵۲- مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا سینه در گودال قرار می دهند به نحوی که دستها خارج از گودال و آزاد باشد.

ماده ۵۳- در اجرای مجازات رجم بزرگی سنگ نباید به اندازه ای باشد که محکوم با اصابت یک یا دو عدد کشته شود. همچنین کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که عنوان سنگ بر آن صدق نکند.

ماده ۵۴- قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای مجازات رجم با هماهنگی مأموران ذی ربط اقدامات انجام یافته به شرح مواد فوق را بررسی کرده و در صورت تأیید، مراتب را برای ضبط در پرونده صورت مجلس می کند.

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

ماده ۵۵- هرگاه زنای محصنه با اقرار یا علم قاضی ثابت شده باشد، هنگام رجم ابتدا قضات صادرکننده حکم بدوی سنگ می زنند و پس دیگران و در صورتی که با شهادت شهرد ثابت شده باشد، ابتدا شهرد و سپس قضات صادرکننده حکم بدوی و پس از آن دیگران سنگ می زنند.

تبصره ۱- چنانچه در اجرای ماده (۴۷۷) قانون آیین دادرسی کیفری، قضات دیوان عالی کشور رأی قطعی صادر نمایند، ابتدا قضات صادرکننده این حکم سنگ می زنند.

تبصره ۲- عدم حضور یا عدم اقدام قضات صادرکننده حکم با برخی از آنان برای زدن اولین سنگ مانع اجرای حد نیست.

ماده ۵۶- حضور شهرد هنگام اجرای حد رجم ضروری است؛ اما غیبت یا عدم اقدام آنان به زدن سنگ، موجب سقوط حد نیست.

ماده ۵۷- هرگاه محکوم به رجم از مردانی که در آن قرار گرفته فرار کند، در صورتی که زنا یا با شهادت ثابت شده باشد، برای اجرای حد رجم برگردانده می شود و اگر با علم قاضی یا اقرار ثابت شده باشد، محکوم برگردانده نمی شود.

گفتار دوم: نحوه اجرای مجازات صلب

ماده ۵۸- در اجرای حد صلب محکوم را در فضای باز به چوبه دار که شبیه صلیب است، آویزان می کنند. بدنه وی که پشت به صلب و رو به قبله بوده و پاهایی مقداری از زمین فاصله داشته باشد. همچنین دست های محکوم را به دو چوبه افقی و پاهایش را به چوبه عمودی بسته و به مدت سه روز تحت حفاظت و مراقبت مأموران به همان حال رها می کنند.

شماره:
تاریخ:
پست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

تبصره ۱- نحوه بستن محکوم باید به گونه‌ای باشد که موجب مرگ مصلوب شود.

تبصره ۲- منظور از سه روز، سه روز و دو شب داخل آن است و با غروب آفتاب روز سوم، محکوم از چوبه دار پایین آورده می‌شود. چنانچه فوت مصلوب زودتر از سه روز محرز گردد، جسد برای انجام مراسم مذهبی و کفن و دفن پایین آورده می‌شود.

ماده ۵۹- اگر مصلوب پس از سه روز فوت نکرده باشد، او را رها می‌کنند و چنانچه نیازمند ارائه خدمات پزشکی باشد، اقدامات درمانی بلامانع است و در صورت فوت مطابق ماده (۴۹) آیین‌نامه اقدام می‌شود.

گفتار سوم: نحوه اجرای مجازات قصاص نفس

ماده ۶۰- قاضی اجرای احکام کیفری پس از اجرای حکم قصاص نفس مکلف است طرفین را به سازش توصیه نماید.

ماده ۶۱- در اجرای ماده (۲۸۳) قانون مجازات اسلامی، چنانچه محکوم به قصاص نفس بیش از یک نفر را به قتل رسانیده باشد و ولی دم احد از مقتولان خواهان قصاص باشد و اولیای دم دیگر مقتولان تعیین تکلیف نکرده باشند، قاضی اجرای احکام کیفری ضمن اخطار به آنان محارات قصاص را اجرا می‌کند.

ماده ۶۲- هرگاه به جهانی مانند مصالحه بر تأخیر اجرا، گذشت متروک و یا سلب، اجرای قصاص به تعویق افتد، با رفع سلب و مطالبه صاحب حق قصاص، قاضی اجرای احکام کیفری مندمات قانونی اجرای قصاص را فراهم می‌آورد.

ماده ۶۳- در صورت گذشت قطعی و منجر همه صاحبان حق قصاص، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را صورت مجلس کرده و در اجرای ماده (۴۴۷) قانون مجازات اسلامی پرونده را جهت تعیین تکلیف سست به جنبه عمومی جرم به دادگاه صادرکننده رأی بدوی ارسال می‌دارد.

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

ماده ۶۴- در صورتی که محکوم و مجنی علیه هر دو غیر مسلمان باشند و محکوم پیش از اجرای قصاص ادعا نماید که مسلمان شده است، قاضی اجرای احکام کیفری ضمن توقف اجرای حکم، پرونده را در اجرای تبصره (۲) ماده (۳۱۰) قانون مجازات اسلامی به دادگاه ارسال می کند.

ماده ۶۵- اجرای قصاص منوط به استیفای آن از ناحیه کسانی است که طبق قانون مجازات اسلامی ولی دم محسوب می شوند و یا حق استیفای قصاص را دارا هستند. قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای قصاص درخواست کتبی افراد مذکور را اخذ، مراتب را صورت مجلس ننوده و برای درج در پرونده به امضای آنان می رساند. تبصره- در صورت عدم مراجعه ولی دم برای استیفای قصاص بدون عذر موجه یا ناتوانی وی از پرداخت فاضل دیه و یا به جهت انتظار برای بویغ یا افافه ولی دم، مطابق ماده (۴۳۹) قانون مجازات اسلامی اقدام می شود.

ماده ۶۶- اگر موضوع مستمول مواد (۳۵۶) یا (۴۲۴) قانون مجازات اسلامی باشد، دادستان پرونده را جهت اتخاذ تصمیم قانونی نزد رئیس قوه قضائیه ارسال می کند.

ماده ۶۷- چنانچه ولی دم صغیر یا مجنون پیش از اجرای قصاص کبیر یا عاقل شود، قاضی اجرای احکام کیفری نظر وی را در خصوص اجرای قصاص نفس اخذ و در صورتی که نظر بر عفو یا مصالحه داشته باشد، بر این اساس اقدام می کند.

ماده ۶۸- در اجرای ماده (۴۲۳) قانون مجازات اسلامی به متقاضی قصاص احضار می شود ظرف مهلت مناسبی که توسط قاضی اجرای احکام کیفری تعیین می شود و پیشتر از دو ماه نخواهد بود. سهم دیه ذی حق را پرداخت کند. این مهلت با درخواست خواهان قصاص برای یک نوبت و حداکثر تا یک ماه دیگر قابل تمدید است. پس از وارز سهم دیه به حساب صندوق سپرده دادگستری، حسب درخواست متقاضی قصاص حکم اجرا می شود.

ماده ۶۹- استیفای قصاص نفس باید منضمین موارد ذیل باشد.

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

الف- مشخصات پرونده:

ب- مشخصات هویتی محکوم، مقتول و اولیای دم اعم از کبیر و محجور به همراه مستندات آن شامل تصویر شناسنامه، کارت ملی، گواهی خصر وراثت و گواهی رشد ولی دم بالغ کمتر از هجده سال تمام شش:

پ- محل و تاریخ وقوع جنایت و انگیزه و کیفیت ارتکاب آن؛

ت- ادله اثبات کسبه جنایت (اقرار، شهادت، قسامه و علم قاضی)؛

ث- نحوه پرداخت یا تودیع سهم دیه محجور به همراه تصویر مستندات آن؛

ج- نحوه پرداخت فاضل دیه در موارد مصرح قانونی به همراه تصویر مستندات آن؛

چ- نحوه پرداخت سهم دیه اولیای دم حواعتان دیه به همراه تصویر مستندات آن و یا مستند موافقت آنها با

دریافت دیه پس از اجرای قصاص نفس؛

ح- تصویر دادنامه های بدوی و قطعی ابلاغ شده به محکوم یا وکیل وی؛

خ- درخواست کتبی اولیای دم یا عجی غلبه برای اجرای قصاص؛

د- مشخصات و امضای تنظیم کننده فرم استبدان و قضی اجرای احکام کیفری؛

ذ- دیگر مدارک به تشخیص قاضی اجرای احکام کیفری.

ماده ۷۰- پس از صدور اذن به قصاص نفس از سوی ولی امر یا مقام مآذون از طرف وی، قاضی اجرای احکام کیفری صاحبان حق قصاص را برای اجرای قصاص در زمان مشخص دعوت می کند. میسر است در اجرای قصاص یا صاحبان حق است. آنان می توانند به منظور اجرای حکم شخصاً حاضر شده یا به یکی از اولیای دم یا شخص دیگر بابت دهند.

تبصره- چنانچه هیچ یک از صاحبان حق قصاص یا بابت آنان در روز اجرا و در ساعت تعیین شده حضور نیابد، اجرای حکم به تأخیر می افتد. در صورت عدم حضور آنان بدون عذر موجه در نوبت دوم و با استنای از اجرای قصاص

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

بدون عذر موجه، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای ماده (۴۲۹) قانون مجازات اسلامی مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به دادگاه اعلام می کند.

ماده ۷۱- چنانچه محکوم به قصاص نفس متقاضی اجرای حکم به شیوه اهدای تشو باشد و همه اولیای دم با آن موافق باشند، مطابق مقررات مذکور در ماده (۴۷) این نامه اقدام می شود.

ماده ۷۲- هرگاه اولیای دم تمکن مالی برای پرداخت فاضل دیه نداشته باشند و دادستان موضوع را مطابق ماده (۴۲۸) قانون مجازات اسلامی تشخیص دهد، به منظور صدور دستور پرداخت دیه از بیت المال پرونده را از طریق رئیس کل دادگستری استان به دفتر رئیس قوه قضائیه ارسال می کند. پس از تأیید ایشان، دادستان در جهت پرداخت دیه از بیت المال اقدامات لازم را انجام می دهد. حکم قصاص پس از پرداخت دیه به صاحب حق طبق مقررات اجرا می شود.

ماده ۷۳- در صورتی که محکوم به قصاص نفس به هر علتی فوت کند و یا به جهت فرار دسترسی به وی ناممکن شود، در اجرای ماده (۴۳۵) قانون مجازات اسلامی قاضی اجرای احکام کیفری، در فرض فرار محکوم بدو تحقیقات و اقدامات قانونی لازم را برای دسترسی به وی به عمل می آورد و در صورت احراز عدم دسترسی، مراتب را به دادستان اعلام و صورت موافقت وی، پرونده را برای اتخاذ تصمیم قانونی به دادگاه ارسال می کند.

ماده ۷۴- چنانچه ولی دم پیش از اجرای قصاص نفس به صورت مشروط با معاق از قصاص نفس گذشت کرده باشد، اجرای قصاص تا قطعی شدن نتیجه گذشت یا مصالحه به تأخیر می افتد. در صورت حصول توافق، چنانچه محکوم به جهت دیگری بازداشت نباشد، آزادی وی منوط به سپردن وثیقه مناسب می باشد. در صورت تحقق شرط یا معاق نلیه قاضی اجرای احکام پرونده را به منظور تعیین مجازات تمزیری به دادگاه ارسال می کند. هرگاه قطعی شدن گذشت مشروط به معاق شدن منوط به سپری شدن مدت زمان معین باشد، پس از انقضای مدت مذکور نیز به شرح فوق اقدام می شود.

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبعی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

ماده ۷۵- اگر به جهت شناخته شدن ولی دم یا عدم دسترسی به وی، با تفویض مقام رهبری و درخواست دادستان مربوط حکم قصاص صادر شود و سپس در مرحله اجرای حکم ولی دم شناسایی یا به وی دسترسی حاصل شود، قاضی اجرای احکام کیفری ضمن صدور دستور توقف اجرای حکم، پرونده را در اجرای ماده (۴۲۴) قانون مجازات اسلامی برای تعیین تکلیف به دادگاه ارسال می‌کند.

تبصره- حکم این ماده در موردی که پرونده به صدور حکم قصاص منتهی نشده و ولی دم عایب پس از حضور مطالبه قصاص می‌کند نیز جاری است.

مبحث دوم: نحوه اجرای مجازات‌های قطع و قصاص عضو

ماده ۷۶- اشخاص ذیل می‌توانند اجرای قصاص عضو را درخواست کنند:

الف- مجنی‌علیه یا ورثه او؛

ب- ولی قهری افراد مذکور در بند «الف» در صورتی که صغیر یا مجنون باشند؛

پ- وصی تعیین شده از سوی ولی قهری در صورتی که مجنی‌علیه یا ورثه وی صغیر یا مجنون باشد و ولی قهری نیز نداشته باشد؛

ت- رئیس قوه قضائیه یا فرد مأذون از طرف ایشان با رعایت ماده (۳۵۶) قانون مجازات اسلامی؛ در صورتی که افراد مذکور صغیر یا مجنون باشند و ولی قهری و وصی نیز نداشته باشند.

تبصره- قهر نمی‌تواند در خصوص حق قصاص برای افراد تحت قیمومت اتخاذ تصمیم کند؛ مگر با اذن و تنصیب دادستان.

ماده ۷۷- قاضی اجرای احکام کیفری موظف است پیش از اجرای قصاص عضو حُرَقین را به سازش توصیه کند

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

ماده ۷۸- در صورت مصالحه با گذشت منحز اعم از معوض یا غیر معوض، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را صورتجلسه و پرونده را در اجرای ماده (۴۴۷) قانون مجازات اسلامی به دادگاه ارسال می کند.

ماده ۷۹- اجرای مجازات های قطع و قصاص عضو باید با ابزار بهداشتی و مناسب و به شیوه های متعارف به عمل آید؛ با نحوی که کمترین آزار را بر محکوم وارد کند و موجب آسیب زاید بر جنایت نشود.

تبصره- قاضی اجرای احکام کیفری تمهیدات لازم را برای اجرای دقیق و صحیح قصاص عضو فراهم می کند؛ به نحوی که از حیث طول و عرض و عمق ساقی یا جنایت باشد در این مورد نظر پزشک قانونی یا پزشک متخصص معتمد، اخذ می شود.

ماده ۸۰- هنگام اجرای مجازات قصاص عضو حضور قاضی اجرای احکام کیفری، پزشک قانونی، مجنی علیه یا قائم مقام قانونی و یا وکیل وی ضروری است. در صورت عدم حضور مجنی علیه یا قائم مقام وی یا عدم معرفی وکیل یا نمایندگی برای اجرای قصاص عضو، اجرای حکم به تاخیر می افتد و چنانچه اشخاص مذکور در مرتبه دوم نیز بدون عذر موجه حاضر نشوند در صورتی که محکوم در بازداشت باشد، با اخذ تأمین متناسب آزاد می شود؛ مشروط بر آن که، به جهت دیگری بازداشت نباشد.

تبصره- محکوم به دستور قاضی اجرای احکام کیفری و توسط نیروی انتظامی تحت الحفظ به محل اجرای حکم اعزام می شود. نظارت بر صحت اجرا و رعایت تشریفات لازم با قاضی اجرای احکام کیفری است.

ماده ۸۱- محکوم به دستور قاضی اجرای احکام کیفری و توسط نیروی انتظامی تحت الحفظ به محل اجرای حکم اعزام می شود. نظارت بر صحت اجرا و رعایت تشریفات لازم با قاضی اجرای احکام کیفری است.

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبیبی:



جمهوری اسلامی ایران
رئیس قوه قضائیه

ماده ۸۲- فصاص عضو بدون بیهوش کردن محکوم یا بی حسی کردن عضو اجرا می شود؛ مگر آن که این امر سبب گسستن حرارت و یا ورود آسیب به عضو یا بافت بیشتری از محکوم شود. در این صورت با اخذ نظر پزشک قانونی یا پزشک معتمد و با رضایت مجنی علیه، فصاص عضو با بیهوشی و یا بی حسی محکوم به عمل می آید.
تبصره- در صورتی که جنایت در حال بیهوشی یا بی حسی مجنی علیه واقع شده باشد، با درخواست محکوم فصاص عضو حسب مورد در هر یک از وضعیت های فوق الذکر اجرا می شود.

ماده ۸۳- چنانچه عضو موضوع فصاص ناسالم یا ناقص باشد، قاضی اجرای احکام کیفری پس از اخذ نظر پزشکی قانونی مراتب را صورت مجلس و در اجرای ماده (۳۹۷) قانون مجازات اسلامی پرونده را برای اتخاذ تصمیم پیرامون بایه التفاوت دیه به دادگاه ارسال می کند.

ماده ۸۴- پیش از اجرای حکم قطع یا فصاص عضو، قاضی اجرای احکام کیفری باید تسهیلات لازم را از حیث حضور کادر پزشکی و تجهیزات مورد نیاز برای جلوگیری از خونریزی و عفونت و مانند آن فراهم کند. چنانچه پس از اجرای قطع یا فصاص عضو، حسی با بازداشت محکوم ضروری باشد و همزمان نیاز به مداوای وی در خارج از زندان باشد، مطابق ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی کیفری اقدام می شود.

ماده ۸۵- چنانچه محل قطع یا فصاص عضو زایل شده باشد، اجرای حکم منتهی است و پرونده جهت اتخاذ تصمیم قانونی به دادگاه ارسال می گردد.

ماده ۸۶- در صورتی که به تشخیص پزشک قانونی در فصاص عضو بیم تجاوز از میزان جلاست برود و امیدی به رفع مانع نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری پرونده را برای تعیین تکلیف به دادگاه ارسال می کند.

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



ماده ۸۷- اگر به تشخیص پزشکی قانونی رفع مانع مستلزم گذشت زمان طولانی باشد، حق قصاص از پس نمی‌رود و چنانچه محکوم از بابت این حکم در بازداشت باشد، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای ماده (۵۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری قرار تأمین متناسب صادر می‌کند.

ماده ۸۸- اگر به تشخیص پزشکی قانونی در قصاص رعایت تساوی در طول، عرض و عمق با جنایت ممکن نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است پس از تفهیم مفاد ماده (۴۰۰) قانون مجازات اسلامی به مجنی‌علیه، در صورت مطالبه قصاص کمتر، نظر پزشکی قانونی را درباره امکان جبران قصاصی استعلام و پرونده را برای تعیین تکلیف به دادگاه ارسال کند.

ماده ۸۹- اگر مجنی‌علیه پیش از اجرای قصاص بر اثر سرایت جنایت فوت کند یا جنایت به عضو دیگر او سرایت نماید، قاضی اجرای احکام کیفری پرونده را برای تعیین تکلیف به دادگاه ارسال می‌کند.

ماده ۹۰- در صورتی که موضوع مشمول مواد (۲۸۹) و (۲۹۰) قانون مجازات اسلامی باشد، قاضی اجرای احکام کیفری مفاد این مواد را به طرفین تفهیم و صورت مجلس تنظیمی را که به امضای آنان رسانیده، ضمیمه پرونده می‌کند. در اجرای ماده (۲۸۹) قانون مجازات اسلامی و در صورت تقاضای صاحب حق قصاص مبنی بر اجرای قصاص در برخی جنایات و گذشت یا مصالحه در برخی دیگر و همچنین در صورتی که صاحب حق قصاص بر اساس ماده (۲۹۰) قانون مجازات اسلامی با رضایت محکوم قسمتی از جنایت را قصاص کند و از قصاص قسمت دیگر گذشت یا مصالحه نماید، قاضی اجرای احکام کیفری نظر پزشکی قانونی را درباره امکان قصاص به نحو مذکور استعلام می‌کند. در صورت تأیید امکان اجرای قصاص توسط پزشک قانونی، حکم صادره را اجرا و در غیر این صورت پرونده برای تعیین تکلیف به دادگاه صادرکننده حکم ارسال می‌کند.

ماده ۹۱- در صورتی که صاحب حق قصاص متقاضی مباشرت در اجرای قصاص باشد، قاضی اجرای احکام کیفری نظر پزشکی قانونی را در این باره استعلام می‌کند. چنانچه پزشک قانونی اجرای صحیح قصاص توسط صاحب

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه بندی:



حق قصاص بدون بیم سرایت به نفس و عضو دیگر را ممکن بداند؛ قاضی اجرای احکام کیفری عقده‌مانند اجرای قصاص توسط صاحب حق را فراهم می‌کند و در شیر این صورت نظر پزشکی قانونی دایر بر بیم سرایت به نفس و عضو دیگر را به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند. در این صورت اجرای قصاص منوط به آن است که صاحب حق قصاص به فردی که توانایی اجرای صحیح آن را دارد نیاورد؛ در صورت عدم اعطای نوبت طبق ماده (۸-) آیین نامه اقدام می‌شود.

ماده ۹۲- محکوم نه قصاص عضو پس از اجرای حکم نمی‌تواند نسبت به پیوند عضو قطع شده خود اقدام کند؛ مگر در صورت رضایت صاحب حق قصاص یا اقدام وی به پیوند عضو موضوع جنایت.

ماده ۹۳- هزینه‌های اولیه برای مداوای محکوم پس از اجرای قصاص با قطع عضو و همچنین هزینه درمان در مواردی که ادامه بازداشت وی به دلیل قانونی دیگری لازم باشد، بر عهده دولت و در دیگر موارد بر عهده محکوم است.

ماده ۹۴- نحوه اجرای حد قطع دست و پای محارب همان است که در ماده (۲۷۸) قانون مجازات اسلامی برای سارق پیش‌بینی شده است.

ماده ۹۵- قاضی اجرای احکام کیفری در مدت مناسب پیش از اجرای قطع عضو محکوم را به منظور آواز نبود موانع قانونی برای اجرای مجازات به پزشکی قانونی معرفی می‌کند. در فرض تشخیص مانع قانونی و فراهم بودن موجبات رفع آن، در جهت رفع مانع اقدام و پس از رفع حکم اجرا می‌شود و در غیر این صورت تا برطرف شدن مانع، اجرای قطع عضو به تأخیر می‌افتد.

ماده ۹۶- چنانچه به تشخیص پزشکی قانونی گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم شود، قطع عضو باید در هوای معتدل انجام گیرد.

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه‌بندی:



مبحث سوم: نحوه اجرای محکومیت به دیه

ماده ۹۷- چنانچه محکوم صرفاً به پرداخت دیه محکوم شده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری وی را احضار و زمان حال شدن دیه، مبلغ دقیق، نحوه پرداخت و امکان توافقی با محکوم‌له به نحو دیگری را وفق بایه (۴۸۸) قانون مجازات اسلامی به او تفهیم می‌کند. در صورت توافق طرفین بر نحوه پرداخت، قاضی اجرای احکام کیفری با لحاظ تمنا توافق اقدام و پرونده را در وقت نظارت قرار می‌دهد و در غیر این صورت در اجرای ماده (۴۸۹) پرونده را تا زمان حال شدن دیه حمایت عمده و یا تا یک سال پس از زمان وقوع جنایات تبعه و خطای محض در وقت نظارت قرار می‌دهد. در صورتی که محکوم در اجرای قرار تأمین کیفری در بارداشت باشد، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای مواد (۵۰۷) و (۵۰۸) قانون آیین دادرسی کیفری اقدام لازم را به عمل می‌آورد.

ماده ۹۸- در مواردی که قرار تأمین کیفری برای اتهامات متعدد صادر و حکم نسبت به همه محکومیت‌ها غیر از دمه اجرا شده باشد، اما مهلت قانونی برای پرداخت دیه به اتمام نرسیده باشد یا دمه از ناحیه صاحب حق مطالبه نشده و یا در صورت مطالبه به پرداخت منتهی شده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری قرار تأمین متناسب صادر می‌کند.

ماده ۹۹- مهلت پرداخت دیه به شرح مذکور در قانون مجازات اسلامی است و شامل دیه غیر مقدر (ارشی) و دمه تنلیف شده نیز می‌باشد. محکوم می‌تواند پیش از انقضای مهلت قانونی نسبت به واریز تمام یا بخشی از دیه به حساب اعلامی از سوی اجرای احکام کیفری اقدام کند و رسید آن را تحویل دهد. در این صورت دمه محکوم نسبت به دیه پرداختی بری است و قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را به محکوم‌له اعلام می‌کند تا نسبت به دریافت آن اقدام کند.

ماده ۱۰۰- چنانچه محکوم‌له پیش از رسیدن مواعد مذکور در قانون مجازات اسلامی تقاضای دیه نماید، درخواست وی در پرونده درج می‌شود؛ بدون آن که پس از انقضای مواعد مجازی به درخواست جدید برای اجرای حکم باشد.

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



هرگاه محکومله پس از انقضای مواعد تقاضای اجرای حکم را نکند و محکوم نیز دیه را نپردازد، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای ماده (۵۴۱) قانون آیین دادرسی کیفری اقدام لازم را به عمل می آورد.

ماده ۱۰۱- هرگاه تا صدور حکم قطعی مواعد پرداخت دیه به پایان نرسد و محکومله دیه را تقاضا نکند، محکوم مکلف است در صورت عدم تقییط دیه، آن را به صورت یکجا پرداخت کند. در مواردی که محکوم قادر به پرداخت دیه در مهلت های مقرر نبوده و دادخواست اعسار تقدیم کرده باشد، پرونده در اجرای ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ به دادگاه ارسال می شود.

تبصره- دادگاه اقساط را بر اساس سهمی از دیه تعیین می نماید و واحد اجرای احکام کیفری مطابق ماده (۴۹۰) قانون مجازات اسلامی اقدام می کند. در صورت حکم به تقییط دیه بر اساس مبلغ ریالی، بهای زمان پرداخت معسار محاسبه خواهد بود.

ماده ۱۰۲- پرداخت دیه به محکومله منوط به احراز هویت وی بر اساس مدارک هویتی معتبر توسط قاضی اجرای احکام کیفری است. در صورت فوت محکومله، ورثه به قائم مقامی وی عملیات اجرایی را پیگیری می کنند و در مواردی که محکومله فاقد ورثه باشد، ولی امر مسلمین وراثت او است و قاضی اجرای احکام کیفری دیه وصول شده را به حساب اعلامی از سوی قوه قضائیه واریز می کند. در صورت عدم شناسایی وراثت یا عدم دسترسی به آنان، دیه به حساب سپرده قوه قضائیه واریز می شود.

ماده ۱۰۳- در تمام مواردی که به موجب حکم دادگاه پرداخت دیه بر عهده مرتکب است، در صورت فوت و یا فرار مرتکب و عدم دسترسی به وی، مطابق قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ دیه از اموال مرتکب استیفا می شود و در صورت عدم کفایت یا فقدان اموال، پرونده برای صدور حکم به پرداخت دیه حسب مورد از بیت المال یا عاقله به دادگاه ارسال می شود.

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه بندی:



ماده ۱۰۴- هرگاه پس از صدور حکم مبنی بر تقسیط دیه محکوم منمکن شود، قاضی اجرای احکام کیفری وفق تبصره (۱) ماده (۱۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ اقدام می‌کند. چنانچه محکوم‌له به لحاظ تمکن محکوم تعدیل اقساط را خواستار شود، با اعلام قاضی اجرای احکام کیفری، دادگاه در این خصوص اتخاذ تصمیم می‌کند.

ماده ۱۰۵- در صورتی که مرتکب وارث مفتول باشد، مطابق ماده (۴۵۱) قانون مجازات اسلامی از دیه قتل ارب نمی‌برد و سهم‌الارث او از دیه طبق قانون مدنی به دیگر ورثه پرداخت می‌شود.

ماده ۱۰۶- دیه جنایت بر میت حال است و فوری پرداخت می‌شود. چنانچه محکوم تقاضای مهلت نماید، دادگاه مهلت مناسبی به وی می‌دهد و در صورت عدم پرداخت در مهلت اعطایی، وفق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ اقدام می‌شود.

ماده ۱۰۷- چنانچه ولی قهری مرتکب جنایت نسبت به مولی‌علیه خود اعم از صغیر یا مجنون شود، به موجب ماده (۳۵۸) قانون مجازات اسلامی در این مورد ولایت ندارد و مطابق ماده (۳۵۶) قانون مذکور اقدام می‌شود.

ماده ۱۰۸- در مورد اطفال محکوم به پرداخت دیه، قاضی اجرای احکام کیفری، با احضار به ولی، قیم یا سرپرست قانونی آن‌ها حسب مورد اقدامات اجرایی لازم را به عمل می‌آورد. چنانچه فرد بالغ کمتر از هجده سال تمام شمسی محکوم به پرداخت دیه شده باشد به همراه ولی، قیم یا سرپرست قانونی احضار می‌شود.

ماده ۱۰۹- در اجرای ماده (۴۳۴) قانون مجازات اسلامی، چنانچه فراری‌دهنده بازداشت شود و به تشخیص دادستان ادامه بازداشت وی در احضار محکوم مؤثر نباشد و یا در صورت متعذر شدن دستگیری محکوم، فوت وی و یا رضایت صاحب حق قصاص به آزادی فراری‌دهنده، دادستان بر رفته را به دادگاه ارسال می‌کند. در صورت تأیید نظر دادستان و تقاضای مجنی‌علیه یا اولیای دم، دادگاه دستور توقیف اموال محکوم یا فراری‌دهنده را به میراث دیه

شماره:
تاریخ:
پرست:
طبقه بندی:



صادر و پرونده را به واحد اجرای احکام کیفری اعاده می‌دهد. قاضی اجرای احکام کیفری با رعایت مقررات قانونی، نسبت به توقیف اموال اقدام نموده و فراری‌دهنده را چنان‌چه به سبب دیگری در بازداشت نباشد، آزاد می‌کند. ماده ۱۱۰- چنان‌چه پس از پرداخت دیه از سوی فراری‌دهنده و یا از محل بیت‌المال به محکوم دسترسی حاصل شود، به ترتیب زیر اقدام می‌شود:

الف- چنان‌چه نسبت به قصاص نفس یا عضو گذشت شده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای ماده (۴۴۷) قانون مجازات اسلامی و به منظور تعیین مجازات تعزیری و صدور حکم به استرداد دیه در حق بیت‌المال و یا فراری‌دهنده (در صورت مطالبه) محکوم را تحت‌الحفظ به همراه پرونده به دادگاه اعزام می‌کند؛ ب- در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد و محکوم در بازداشت باشد، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجرم علیه محفوظ است؛ اما باید پیش از اجرای قصاص، دیه گرفته شده را مسترد کند در صورت امتناع از استرداد دیه دریافتی، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را جهت تکلیف به دادگاه اطلاع می‌کند.

ماده ۱۱۱- در اجرای ماده (۴۵۹) قانون مجازات اسلامی چنان‌چه اجرای قصاص مشروط به رد فاضل دیه نباشد، تبدیل قصاص به دیه مشروط به مصالحه یا مرتکب و اخذ رضایت وی است. در صورت مشروط نمودن انصراف از حق قصاص به مخائبه دیه توسط مجرم علیه یا ولی دم، قاضی اجرای احکام کیفری محکوم را احضار و اظهارات وی را اخذ می‌کند. در صورت موافقت محکوم یا مصالحه و تحقق و اجرای شرط مورد نظر، پرونده به منظور صدور حکم به مجازات تعزیری مطابق مقررات قانونی به دادگاه ارسال می‌شود و در غیر این صورت قصاص مطابق مقررات اجرا می‌شود.

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه بندی:



تبصره- در مواردی که اجرای قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه به محکوم باشد و صاحب حق قصاص از حق خود صرف نظر کرده و به گرفتن دیه رضایت دهد، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را صورت جلسه کرده و وفق قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ در خصوص وصول دیه اقدام می کند.

ماده ۱۱۲- در صورت محکومیت عاقله به پرداخت دیه، قاضی اجرای احکام کیفری عاقله را شناسایی و برای اجرای حکم احضار می کند. در صورت حضور، مفاد حکم به عاقله تفهیم و وفق قوانین مربوطه نسبت به اجرای حکم اقدام می شود.

ماده ۱۱۳- در صورتی که عاقله مدعی عدم تمکن مالی برای پرداخت محکوم به باشد، قاضی اجرای احکام کیفری در مورد وضعیت مالی آن ها تحقیقات لازم را انجام می دهد. چنان چه بک یا چند نفر از عاقله مدعی عدم تمکن باشد، حکم این ماده تنها در مورد وی جاری است و مفاد حکم نسبت به سهم دیگران مطلق مقررات اجرا می شود.

ماده ۱۱۴- چنان چه عاقله با وجود تمکن مالی از پرداخت دیه امتناع کند، قاضی اجرای احکام کیفری نسبت به وصول دیه به میزان سهم عاقله متمکن از اموال وی اقدام می کند.

ماده ۱۱۵- در صورت فوت عاقله پس از فرا رسیدن موعد پرداخت، دیه از ماترک او تأمین می شود.

ماده ۱۱۶- چنان چه محکوم با شاکی مدتی تعهد پرداخت دیه توسط بیمه باشد، قاضی اجرای احکام کیفری وفق مقررات اقدام لازم را به عمل می آورد. در حوادث ناشی از وسایل نقلیه در صورت محکومیت راننده به پرداخت دیه قاضی اجرای احکام کیفری دیه را حسب مورد از شرکت بیمه مربوط یا صندوق تأمین خسارت های بدنی به استثنای موضوع ماده (۱۷) «قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵» وصول می نماید و در هر صورت بازداشت راننده به لحاظ نپرداختن دیه ممنوع است.

شماره:
تاریخ:
پوست:
طبقه بندی:



ماده ۱۱۷- در اجرای تبصره ذیل ماده (۵۵۱) قانون مجازات اسلامی موضوع دیه جنایتی که مجنی علیه آن مرد نیست، قاضی اجرای احکام کیفری سبب به اخذ دیه از محکوم به میزان محکومیت وی اقدام کرده و در مورد مابه التفاوت آن، محکوم له را به همراه مدارک لازم به صندوق تأمین خسارتهای بدنی معرفی می کند.

ماده ۱۱۸- در تمام مواردی که حکم به پرداخت دیه از بیت المال صادر شده است، قاضی اجرای احکام کیفری رونوشتی از حکم را به همراه دیگر مدارک لازم برای پرداخت دیه به وزارت دادگستری ارسال می کند. وزارت خانه مذکور پس از پرداخت نتیجه را به واحد اجرای احکام کیفری اعلام می کند.

ماده ۱۱۹- پس از وصول دیه، قاضی اجرای احکام کیفری در احکام مربوط به قتل و غیر آن و در مواردی که اولیای دم مقتول متعدد باشند، به ترتیب زیر اقدام می کند:

الف- اگر اولیای دم همگی کبیر بوده و وکیل یا نماینده قانونی معرفی کرده باشند، در این صورت دیه به شماره حساب اعلامی از سوی وکیل یا نماینده قانونی واریر می گردد و در غیر این صورت، دیه به نست سپهسالار هریک و به شماره حساب اعلامی از سوی آنان واریر می شود؛

ب- در خصوص ولی دم محجور، دیه حسب نظر ولی قهری یا وصی پرداخت می شود و در خصوص محجور دارای قیم، بنا به پیشنهاد قیم و تشخیص دادستان، با لحاظ عطله محجور هزینه با پس انداز می شود. در صورت فقدان قیم، دیه تا معرفی قیم به حساب سپرده دادسرا واریر می شود.

تبصره- اگر برخی از افراد محکوم له کبیر و بعضی صغیر یا محجور باشند، حسب مورد مطابق بندهای فوق عمل می شود.

مبحث چهارم: نحوه اجرای مجازات تراشیدن موی سر

ماده ۱۲۰- محارقات تراشیدن موی سر از احکام اختصاصی مردان است و نسبت به زنان اجرا نمی شود.

شماره:
تاریخ:
پرست:
طبیبی:



ماده ۱۲۱- منظور از تراشیدن موی سر، تراشیدن کامل آن است و تراشیدن بخشی از آن یا کوتاه کردن موی سر بدون تراشیدن آن کافی نیست.

تبصره - تراشیدن موی سر برای یک مرتبه و به وسیله نیش یا دیگر وسایل متعارف مشاهد آن انجام می‌شود.

مبحث پنجم: نحوه اجرای مجازات شلاق

ماده ۱۲۲- اجرای مجازات شلاق بدوسینه نوار جرمی به هم تابیده شده به طول یک‌صد الی یک‌صد و بیست سانتی‌متر و به قطر تقریبی یک و نیم سانتی‌متر که فقط گرد باشد انجام می‌شود.

ماده ۱۲۳- نحوه اجرای شلاق باید به گونه‌ای باشد که ضربات به جلوی بدن و سر، صورت، گردن و عورت اصابت نکند.

ماده ۱۲۴- چنانچه مجازات شلاق در فضای سرپوشیده اجرا شود، باید دمای هوای آن معتدل باشد و در صورتی که در فضای باز اجرا می‌شود، نباید دمای هوا بسیار سرد یا بسیار گرم باشد. در نقاط سردسیر حکم در ساعات گرم و در نقاط گرمسیر در ساعات خنک اجرا می‌شود.

ماده ۱۲۵- اجرای شلاق نباید به گونه‌ای باشد که به علت پیچیدگی شلاق، قسمت‌های جلوی بدن مورد اصابت قرار گیرد.

ماده ۱۲۶- استفاده از هرگونه داروی بی‌حسی و ضد درد پیش از اجرای شلاق ممنوع است.

ماده ۱۲۷- اجرای حکم شلاق با نظارت قاضی اجرای احکام کیفری انجام و توسط نماینده وی شمارش می‌شود. در موارد تردید در تعداد ضربات، بنا بر اکثر گزارشات می‌شود. پس از اجرای شلاق، مراتب صورت‌مجلس شده و به امضای قاضی اجرای احکام کیفری، مأمور اجرا و محکوم رسیده و ضم پرونده می‌شود.

تبصره - مأمور اجرای حکم شلاق نباید فرابت نسبی، نسبی یا سابقه دوستی یا دشمنی با محکوم یا یکی از طرفین دعوا داشته باشد.

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



ماده ۱۲۸- در صورت بیهوش شدن محکوم هنگام اجرای مجازات شلاق، اجرای حکم متوقف می شود و تا بهبودی وی به تأخیر می افتد. در این صورت چنانچه محکوم به علت دیگری در بازداشت نباشد، قاضی اجرای احکام کبری در اجرای ماده (۵۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری در مورد وی قرار تأمین متناسب صادر می کند.

ماده ۱۲۹- هرگاه فرد به دو یا چند محکومیت شلاق حدی و یا محکومیت حدی و تعزیری محکوم شود، پس از اجرای محکومیت اولیه، اجرای حکم دوم تا بهبودی محل اصابت ضربات شلاق به تأخیر می افتد؛ مگر آن که محکوم خواهان اجرای حکم دوم پیش از بهبودی باشد و به تشخیص پزشکی قانونی اجرای حکم دوم بدین نحو برای سلامتی محکوم مخاطره آید نباشد. در فرض تأخیر در اجرای شلاق، قرار تأمین متناسب صادر می شود.

ماده ۱۳۰- قاضی اجرای احکام کیفری در صورت ادعای محکوم دایر بر وجود مانع پزشکی برای اجرای مجازات شلاق، وی را به پزشکی قانونی معرفی می کند. هرگاه به تشخیص پزشک قانونی امید به رفع مانع باشد، تا زمان بهبودی اجرای مجازات شلاق به تعویق می افتد و در غیر این صورت، در شلاق تعزیری وفق ماده (۵۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری اقدام می شود و در شلاق حدی به دستور دادگاه با یک دسته ترکد یا شلاق (ضغث) کد به تعداد ضربات حد است، فقط یکبار به محکوم زده می شود؛ هرچند همه آن ها به بدن او نرسد.

تبصره - چنانچه پزشکی قانونی اجرای شلاق حدی بر قسمتی از بدن محکوم را بلامانع بداند، بر اساس این نظر اقدام می شود و بابت به ضغث نمی رسد.

ماده ۱۳۱- ضربات شلاق حدی محکومان زن از شانه تا پایین کمر و به صورت مایل و غیر متمرکز در تمام نهاد مذکور نواخته می شود. محکوم باید پوششی داشته باشد که بدن وی نمایان نشود و حکم توسط مأمور زن مجرب و بدون حضور مردان اجرا می شود.

تبصره - در صورتی که محل اجرای حکم شلاق در رأی دادگاه یکی از اماکن عمومی تعیین شده باشد، حضور مردان مانع اجرای حکم نیست.

شماره:
تاریخ:
پست:
طبقه بندی:



ماده ۱۳۲- شلاق حدی محکوم مرد به نحو ایستاده از شانه تا میچ پا به صورت مساوی و غیر متمرکز در تمام نقاط مذکور اجرا می شود و در حد زنا، لواط، تفخید و شرب خمر در حالی که پوشاکی غیر از ساتر تنورت نداشته باشد و در حد فوادی و قذف از روی لباس متعارف اجرا می شود.

تبصره- حد شلاق زنا و تفخید شدیدتر از حد شرب خمر و حد شرب خمر شدیدتر از حد قذف و فوادی است.

ماده ۱۳۳- پوشش محکوم حین اجرای شلاق تعزیری باید متعارف باشد و تشخیص آن با قاضی اجرای احکام کیفری است.

ماده ۱۳۴- شلاق تعزیری در حالتی که محکوم بر روی شکم خوابیده و پوشش او لباس متعارف است، به پشت بدن و به جز سر و صورت، گردن و عورت زده می شود. ضربات شلاق به نحو یکنواخت در یک مجلس و با شدت متوسط به گونه ای که موجب خطر جانی یا نقص عضو محکوم نشود، نواخته می شود.

تبصره- حکم شلاق در مورد محکوم مؤنث، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری و توسط مأمور مجرب زن و بدون حضور مردان به نحو فوق اجرا می شود؛ مگر این که محل اجرای حکم شلاق در رأی دادگاه یکی از اماکن عمومی باشد که در این صورت حضور مردان مانع اجرای حکم نیست و شلاق در حالت نشست اجرا می شود.

مبحث ششم: نحوه اجرای مجازات های تبعید و نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل معین

ماده ۱۳۵- نحوه اجرای مجازات منع از اقامت در محل یا محل های معین یا اقامت اجباری در محل معین به موجب «آیین نامه اجرایی راجع به نحوه اجرای مجازات های تکمیلی موضوع ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳ رئیس قوه قضائیه» می باشد. در مورد نحوه اجرای مجازات تبعید و نفی بلد، به شرح مواد آتی عمل می شود.

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



تبصره- فهرست محل‌هایی که به لحاظ شرایط سیاسی، امنیتی، اجتماعی و غیره برای اقامت اجباری و تبعید و نفی بلد مناسب نمی‌باشد، توسط وزارتخانه‌های دادگستری، کشور و اطلاعات تهیه شده و پس از تصویب شورای عالی امنیت ملی به قوه قضائیه اعلام تا به مراجع قضایی ابلاغ گردد.

ماده ۱۳۶- قاضی اجرای احکام کیفری محکوم را برای اجرای حکم تبعید یا نفی بلد احضار و عقاد حکم و محلی که باید در آن اقامت داشته باشد را با تنظیم صورت‌مجلس به وی تفهیم می‌کند.

ماده ۱۳۷- اعزام محکوم به تبعید یا نفی بلد به محل تعیین شده پس از تنظیم نیابت قضایی توسط قاضی اجرای احکام کیفری به عهده نیروی انتظامی یا دیگر ضابطان دادگستری مربوط است. در این صورت، قاضی اجرای احکام کیفری با صدور قرار نیابت قضایی، اجرای حکم را از دادسرا یا دادگاه عمومی بخش مجری نیابت درخواست می‌کند و نسخه‌ای از مفاد قرار نیابت را از طریق سامانه رایانه‌ای مربوط به آن مرجع ارسال می‌نماید. نتیجه آن نیز از همین طریق به مرجع معطی نیابت گزارش می‌شود.

تبصره ۱- در صورت موافقت قاضی اجرای احکام کیفری، محکوم می‌تواند شخصاً به محل تعیین شده عزیمت و خود را معرفی کند.

تبصره ۲- در صورتی که محکوم در زندان باشد، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب محکومیت به تبعید یا نفی بلد را به زندان اعلام می‌کند تا پس از تحمل حبس نسبت به اجرای آن به شرح فوق اقدام شود.

تبصره ۳- چنانچه محکوم ستواری باشد یا از رفتن به محل امتناع نماید، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری جلب و تحت‌الحفظ به محل اجرای حکم اعزام می‌شود.

تبصره ۴- در صورتی که اعزام محکوم به محل تعیین شده به علت عذر موجه از قبیل حوادث غیرمترقبه و بیماری ممکن نباشد، پس از رفع مانع اعزام خواهد شد.

شماره:
تاریخ:
پیوست:
طبقه بندی:



تبصرد ۵- شروع محکومیت تبعید یا نفی بلند از روز حضور محکوم در محل خواهد بود.

ماده ۱۳۸- چنانچه ظرف یک ماه از تاریخ اعزام یا معرفی محکوم به دادسرای محل تبعید یا نفی بلند نتیجه اقدامات انجام شده در مورد نیابت اعلام نشود، قاضی اجرای احکام کیفری معطی نیابت مراتب را پیگیری و نتیجه را در پرونده درج می کند.

ماده ۱۳۹- قاضی مجری نیابت با حضور محکوم در دادسرای محل تبعید یا نفی بلند، وی را به نیروی انتظامی محل معرفی و ضمن اعلام کیفیت اجرای حکم به نحو مندرج در قرار نیابت، نتیجه را به مرجع معطی نیابت اعلام می کند. ماده ۱۴۰- نیروی انتظامی مکلف است مشحومات محکوم را در دفتر مخصوص ثبت کند؛ فرمانداری و اداره اطلاعات محل را از حضور محکوم مطلع کند و تا پایان مدت محکومیت مراقبت های لازم را وفق دستور قاضی مجری نیابت به عمل آورد.

ماده ۱۴۱- محکوم مکلف است پس از استقرار در محل تعیین شده، نشانی محل اقامت خود را در اسرع وقت به مرجع مجری حکم و نیروی انتظامی مربوط اعلام کند و صبح هر روز و چنانچه فاصله نیروی انتظامی با محل تبعید بیش از چهل کیلومتر باشد، هر دو روز یک بار خود را به نیروی انتظامی محل اقامت (پاسگاه یا کلانتری) معرفی و دفتر مخصوص حضور و غیاب را انضاء کند. همچنین در صورت تغییر نشانی باید مراتب را به شرح فوری اعلام کند. نظارت بر عملکرد نیروی انتظامی در اجرای مفاد این ماده بر عهده قاضی مجری نیابت است.

ماده ۱۴۲- اشتغال محکوم به شغل یا حرفه معین و مناسب در محل تعیین شده بلامانع است، مگر آن که دادگاه حین صدور حکم به تبعید یا نفی بلند، محکوم را از اشتغال به شغل معین منع کرده باشد که در این صورت وفق مقررات توسط نیروی انتظامی تحت سرایت قرار می گیرد. محکوم در محکومیت به نفی بلند حق ملاقات، معاشرت و رفت و آمد با دیگران و نیز حق استفاده از وسایل ارتباطی از قبیل تلفن و اینترنت را ندارد، اما می تواند از رسانه های ملی نظیر رادیو، تلویزیون و نشریات مجاز داخلی استفاده کند.

شماره: ۲۷۸۶۳۱-
تاریخ: ۲۷/۳/۵۸
پست:
طبقه بندی:

بسم الله الرحمن الرحيم



تبصره- مصوعیت مروده و معاشرت را دیگران در نفی بلد شامل حال خانواده محکوم نمی باشد. جدا کردن کودک تحت حضانت زن محکوم به نفی بلد، جز در فرض احراز عدم صلاحیت وی ممنوع است. در صورت احراز این امر، وفق قوانین مربوط اقدام می شود.

ماده ۱۴۳- چنانچه امکان جلوگیری از مروده و معاشرت محکوم با دیگران نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را جهت اتخاذ تصمیم به دادگاه منعکس می نماید تا در اجرای حکم حکومنی مقام معظم رهبری (حسب در تبعید) تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

ماده ۱۴۴- در صورتی که محکوم به تبعید یا نفی بلد، محل را بدون اذن قاضی اجرای احکام کیفری ترک کند، به دستور وی دستگیر و تحت الحفظ به محل اجرای حکم اعاده می شود.

ماده ۱۴۵- نیروی انتظامی یا دیگر ضابطان دادگستری محل اجرای حکم مکلف اند به محض اطلاع از خروج غیرمجاز محکوم از محل تبعید یا نفی بلد، مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری گزارش کنند.

ماده ۱۴۶- از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه، «آیین نامه نحوه اجرای احکام اعدام، رجم، صلب، قطع یا نعلب عضو مصوب ۱۳۷۰» و «آیین نامه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق مصوب ۱۳۸۲» ملغی می باشد.

ماده ۱۴۷- نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه به دادستان کل کشور است.

ماده ۱۴۸- این آیین نامه مشتمل بر ۱۴۸ ماده و ۴۰ تبصره در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۶ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و از تاریخ ابلاغ لازم الاجرا است ۱۴۰۱/۵/۱۷

سید ابراهیم رئیسی

رئیس